

و کمپرسورهای سیکل تبرید را دشوار ساخته بود. البته باید به مواردی مانند پیشرفت نامتناوب طرح در بخش‌های مختلف ناشی از عدم استفاده از یک پیمانکار واحد برای اجرای یکپارچه طرح که باعث مغفول ماندن تکمیل واحد مایع‌سازی به عنوان قلب مجتمع، شده است را از جمله دلایل ناموفق ماندن طرح قلمداد کرد. اگرچه باید اذعان کرد که تکمیل این طرح با توجه به پیچیدگی‌های تکنولوژیکی، ابعاد و حجم کار و نیز فقدان تجربه قبلی در احداث کارخانه‌های مایع‌سازی گاز طبیعی در کشور به خودی خود زمانبر و دشوار است.

آبادولت قبلی در راه‌اندازی این طرح انگیزه لازم را نداشته یا اینکه تأخیر مذکور، دلایل دیگری دارد؟

LNG در مقیاس Base Load عموماً در قالب قراردادهای بلندمدت به فروش می‌رسد که در قراردادهای مذکور قیمت گذاری عمدتاً بر مبنای قیمت نفت خام صورت می‌پذیرد که افت قیمت نفت خام در مقطع توقف طرح، سؤال‌آلی را در خصوص توجیه پذیری تکمیل طرح و تولید LNG ایجاد کرد.

اگرچه تنوع بخشی روش‌های تجارت و صادرات گاز، بسیار کلیدی بوده و تکمیل طرح‌های LNG انعطاف‌پذیری کشور در صادرات گاز و امکان چانه‌زنی بهتر با مشتریان گاز از طریق خط لوله را فراهم می‌کند. نقش تحریم‌ها را نیز نباید نادیده گرفت، اگرچه فرصت‌ها و روزنه‌های مناسبی برای تکمیل طرح در مقطع مذکور نیز وجود داشت که متأسفانه مورد استفاده قرار نگرفت.

با توجه به وضعیت کنونی شرکت، اکنون مراحل فرآورش، مایع‌سازی، ساخت مخازن ذخیره‌سازی در چه مرحله‌ای از بهره‌برداری قرار دارند؟

پیشرفت کارخانه شیرین‌سازی در محدوده ۶۸ درصد قرار دارد که به حول و قوه الهی در سال ۱۴۰۳ فاز نخست آن آماده راه‌اندازی خواهد بود. در بخش مخازن ذخیره‌سازی LNG و LPG پیشرفت کار به حدود ۹۶ درصد رسیده و در سال ۱۴۰۲ آماده بهره‌برداری خواهد بود. در خصوص بخش مایع‌سازی پیمانکار EPC تکمیل این بخش انتخاب و کار آغاز شده و مطابق برنامه زمانبندی به حول و قوه الهی تکمیل فاز نخست طرح و تولید LNG در دولت سیزدهم تحقق خواهد یافت.

از زمان حضور در این شرکت، با هدف سرعت بخشی به اجرای سریع‌تر و بهره‌برداری، چه تدابیری را مدنظر قرار داده‌اید؟

در یکسال و نیم گذشته به منظور امکان پیشبرد کار، مذاکرات مبسوط قراردادی به منظور رفع تعلیق، تعیین تکلیف قراردادها و مدیریت ادعاهای پیمانکارانی که عمدتاً ۸ سال بالاتر تکلیف مانده بودند، انجام شد که بخش کلیدی و البته دشوار کار بود.

همچنین اقدامات مهمی از قبیل اصلاح ساختار مالی شرکت با افزایش ۱۰۰۰ برابری سرمایه از محل آورده سهامداران شرکت، تخصیص و تأمین خوراک فاز اول طرح، انتخاب پیمانکار معتبر و واجد صلاحیت داخلی برای تکمیل واحد مایع‌سازی گاز طبیعی و نیز تأمین مالی طرح با بهره‌گیری از فاینانس صورت پذیرفته است. به‌علاوه با توجه به تداوم تحریم‌های ظالمانه، اقدامات مؤثری برای جایگزینی دانش فنی مایع‌سازی گاز طبیعی که پیشتر در انحصار شرکت‌های غربی بود، صورت پذیرفته است.

گفته می‌شود که بر اساس مجوز وزارت صمت به آن شرکت، ظرفیت بهره‌برداری به ۱۰/۵ میلیون تن خواهد رسید این رقم تا چه میزان قدرت رقابت را در قیاس با سایر رقبا مهیا خواهد کرد؟

مطابق گزارش مؤسسه وودمکنزی تولید LNG در جهان بیش از ۳۵۰ میلیون تن در سال بوده که در این میان سهم قطر حدود ۷۵ میلیون تن در سال بوده که برنامه افزایش این مقدار به ۱۲۰ میلیون تن تا سال ۲۰۲۷ وجود دارد، لذا با راه‌اندازی طرح Iran LNG همچنان سهم کشورمان از تولید این محصول، چشمگیر خواهد بود.

بنابراین نباید از این حقیقت غافل بود که کشورمان از ظرفیت خطوط لوله گاز برای صادرات بهره‌مند است که طبعاً در مقابل رقیبی مانند قطر، یک نقطه قوت برای کشورمان است.

همچنین باید توجه داشت که تکمیل و راه‌اندازی طرح Iran LNG برای تولید حتی به میزان ۱۰ میلیون تن در سال نیز هم نقطه آغاز ورود کشورمان به این عرصه بوده و هم همانگونه که پیشتر گفته شد، منجر به تنوع بخشی به سبد صادرات انرژی کشور و اهرم مناسبی در چانه‌زنی با خریداران گاز از طریق خط لوله خواهد بود.

با توجه به تأخیر در بهره‌برداری و اجرای این طرح، عدم النفع این تأخیر در بهره‌برداری سالانه حدود ۵ میلیارد دلار برآورد شده، میزان کل عدم النفع تأخیر در این سال‌ها چقدر بوده و چرا این تأخیر در سال‌های قبل رخ داده است؟

عدد اشاره شده توسط شما حاصل یک حساب سرانگشتی است، قیمت LNG که در حال حاضر برای قراردادهای بلندمدت حدود ۵۰۰ دلار در هر تن است ضربدر ظرفیت کارخانه. طبعاً به ازای تمام سال‌های تأخیر در تکمیل و راه‌اندازی این عدم‌النفع را تجربه خواهیم کرد. اما باید نگاهمان به جلو باشد، از ناکامی‌های گذشته درس بگیریم و تلاش کنیم با همت بلند، کار شبانه‌روزی و تشریک مساعی در بخش‌های مختلف درگیر، طرح را به ثمر برسانیم و تلخی این عدم‌النفع را به شیرینی موفقیت در تکمیل طرح و تولید محصول LNG در میهن عزیزمان، تبدیل کنیم.

با وجود داشتن ذخایر بالای گاز در ایران اما سهم ایران از تجارت گاز ال ان جی عدد زیادی نیست، چه روش‌هایی را برای افزایش این سهم از بازار مفید می‌دانید؟

یک مسأله کلیدی در خصوص بالانس تولید و مصرف گاز طبیعی در کشور، مصرف بسیار بالای گاز طبیعی به خصوص در بخش خانگی و سهم بسیار بالای گاز طبیعی از سبد مصرف انرژی در کشور است. در نتیجه از بیش از ۹۰۰ میلیون مترمکعب تولید روزانه گاز در کشور، در اوج سرما حدود ۷۰۰ میلیون مترمکعب در بخش خانگی مصرف می‌شود.

حتی اگر متوسط مصرف روزانه گاز طبیعی در کشور را ۳۰۰ میلیون مترمکعب فرض کنیم، این میزان معادل با بیش از ۷۳ میلیون تن LNG در سال است، یعنی به اندازه کل صادرات LNG قطر.

مدیریت مصرف در بخش خانگی، طبعاً راه را برای مصرف این گاز به عنوان خوراک واحدهای پتروشیمی، فولادی، نیروگاهی و صادرات گاز طبیعی چه از طریق خط لوله و چه از طریق LNG که ارزش افزوده بالا، درآمد ارزی و البته اشتغالزایی به همراه خواهد داشت را فراهم می‌سازد. حوزه‌هایی از قبیل بانکرینگ، پیکسای با انبارش LNG و مصرف آن در پیک مصرف، فناوری FLNG، تولید LNG با استفاده از گازهای مشعل نیز از حوزه‌های قابل تأمل برای فعالیت و سرمایه‌گذاری است.